قال تعزله

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید — دیگران هم بکنند انچه مسیحا میکرد

روح القدس

مدیر کل — سلطان العلماء خراسانی

سردبیر — میرزا علی اکبر خان قزوینی

مکاتیب بی امضا قبول نخواهد شد چه درج شود یا نشود صاحبش حق استرداد ندارد

(قیمت اشتراک سالیانه)

طهران ۱۲ قران

ولایات داخله ۱۷ قران

روسیه ۵ منات

سایر ممالک خارجه ۱۰ فرانك

قیمت اعلانات سطری یکقران

قیمت یکنمره صددینار وجه اشتراك بعد از سه نمره دریافت میشود

مکتوب از اردوی حریت خواه سعد آباد امروز که چهاردهم صفر است یك ساعت ازدسته گذشته خبر رسید دستهٔ از سواران دشمن بطرف قریه قره (شعبان) هجوم آورده اند تا حکم یورش از جناب ابراهیم بیك رئیس مجاهدین وسواران برسد دونفر از مجاهدین غیور مشهدی ولی (تیمور باغدرهٔ) بدشمن حمله نموده دلیرانه ومردانه جلو خصم را گرفته چند تیری درفیمابین مبادله گردید استبداد یان را درمقابل این دونفر جوانان فداکار تاب نمانده روبفرار نهادند نواب والا شاهزاده جهانگیر میرزا باچند نفر بامداد مجاهدین عزیمت نموده تارسیدن انها مجاهدین اولی یك فرسخ دشمن را تعاقب نمودند از توجه حضرت حجة عصر عجل الله فرجه دل مجاهدین چنان قوی شده که دونفر مقابل صد نفر اشرارند گرفته شب میشنیب تشیب دشمن مجبور معلوم نیست.

زنده باد طرفداران حریت وانسانیت کور باد استبداد پرستان (قربان ارادی محمد زادهٔ ایرانی)

(ایضا مکتوب ازاردوی ملی سعد آباد)

بنستیلو خامت حال استبداد یان ما کو خداوند آزادی بخش (۱۶ صفر) پنج ساعت از شب چهارشنبه گذشته بنابتصویب جناب (ابراهیم بیك رئیس مجاهدین سه دسته از همسلکان محترم (زون ترك) ودودسته ازمجاهدین غیور بسه دستهٔ آخری منقسم دستهٔ اولی درتحت ریاست اسمعیل افندی) دستهٔ دومی درتحت ریاست (مجلس افندی) دستهٔ سیمی بریاست) یعقوب افندی) فرمانده کل جناب (جلیل افندی) همه سه ساعت بصبح مانده ازسعد آباد حرکت گردیده پیاده از رود (قطور) عبور نموده خود مان را بالای قریهٔ حاشیه رود رسانیدیم آفرین به بلدچیان پنجاه نفر پیاده را چنان بقریه رسانیدند که دهقدم مانده بود قراولان دشمن را زنده بگیریم یك دفعه صدای کیستی ازاردوی خصم بلند شده

ماپنجاه نفر دفعتا با گلوله های آتشین میدالکش کردیم اول دفعه چهارنفر ازقراولان افتادند منقلی که درزیر درختانی بود بدست اورده دیگر بدشمن امان ندادیم نقشهٔ حرب ازاین قرار بود در تپهٔ (حشیه رود) کوه بزرگی است صده پنجاه نفر سواره باعبدالحسین خان سلطان قراجه داغی ومحمد صادق خان سرهنك . امان الله خان سرهنك وباقا خان یاور . رحمه الله خان سلطان . باسواران سلماس شاهسون بریاست جناب الامیر آقا بحفظ انجا تعیین گشت وصدنفر سوار سلماس باسماعیل خان سرتیپ

[illegible] خائنین هنك و شاهزاده دم و ریاست جناب (ابراهیم
بیك [illegible]) منتظر وقت بودند همینکه صدای تفنگهای
دل [illegible] حریت طلبان گوش زد سواران گردید
از چهار جانب بنای شلیك گذاشتند . گلوله‌ها مثل
باران از بالا و پائین بسر دشمنان می‌بارید

اردوی استبداد ضحاك پرست که از وحشت
احرار شب‌را بیدار و در طلیعهٔ صبح هریکی در
گوشهٔ خوابیده بودند از صدای تفنگهای آزادی
طلبان که الفاظ مقدسهٔ حریت و عدالت و مساوات
عالم‌را فرا گرفته بود و از جانبی باوزیدن نسیم صبح
صدای مرحبا و آفرین‌را می‌توان گفت از قبور پرنور
شهدای راه حریت حاجی میرزا ابراهیم آقا و ملك
المتکلمین و میرزا جهانگیرخان بگوش فداکاران
میرسانید و سبب قوت قلب مجاهدین میشد

البته قارئین محترم را باوجود این اقدامات غیورانهٔ
ملی اوضاع استبدادیان بخوبی مشهود خواهد شد
[illegible] هریکی بجائی گریزان و بهر
طرفی [illegible] می آوردند هدف گلوله‌های آتشبار
میشدند از بالا و پائین اجساد بیروح بود علی‌الاتصال
بروی زمین می‌افتاد برخی که باکمال بی‌شرمی
و هلاکت امکان فرار داشت جز اسب بی‌زین
و لجام [illegible] نمیدید نگارنده که با نور چشم مجاهدین
فدائی ملت و سرباز طریقهٔ حریت و انسانیت جناب
آقا میرزا سعید سلماسی در سنگر واحد با عداد حرب
قیام داشتیم آن جوان غیور بارشادت و دلیری که
اولین [illegible] مدافعان وطن است خصم افکنی مینمود
گاهی باصدای رسا میگفت (یاشاسون حریت)
و گاهی تفحص احوال هم‌مسلکان خویش میپرداخت
که آیا کسی از ما در محافظت اساس حریت و نقض
مرادت که سعادت ابدی است نایل آمده است و
هنگامی بسمت دشمنان انسانیت خطاب میکرد ای

[illegible] ملت [illegible] نشود از [illegible] است برادر [illegible]
[illegible] خنده‌کنان [illegible] مجاهدین [illegible]
میفرمود برادران [illegible]
بهای احرار همان برقراری حقوق ملت و پایداری
اساس مشروطیت است [illegible] هرقطرهٔ خون ما هزاران
جوانان فداکار پامیدان روزگار خواهند گذاشت
و صفحات تواریخ و اوراق جراید نام نیك مارا
درشمار مشاهیر عالم ثبت ورقم خواهند کرد و اعقاب
[illegible]
وبن خواهند انداخت از سمت مجاهدین صدای زنده
باد ملت زنده‌باد (ستار) خان سردار ملی فضای
گیتی‌را پرنموده بود ازجانب دیگر جناب (خلیل)
افندی در اطراف سنگرها مجاهدین را مخاطب
مینمود که آزاداشلار قورقمایون و روح یاشاسون
مشروطه در اینجا توان از حقیقت امر گذشت
برادران و هم‌مسلکان (ژون ترك) ما چنان رشادت
و دلیری بخرج دادند که قلم از تحریرش عاجز
و زبان از شرحش قاصر است خیلی [illegible] داشت
جنابان (انوربیك) و (نیازبیك) در تماشای این
جنبش غیورانه احرار حاضر میبودند و میفرمودند
که حقیقتا از قطره خون جناب ([illegible])
هزاران جوانان رشید پابدایرهٔ انسانیت گذاشته و
در قلع ریشهٔ استبداد یکجهت شده اند .

یکدفعه از اردوی خصم ناله و فغان بلند گرد
معلوم شد از بزرگان استبدادیان مقتول شده و از قراریکه
معلوم شد (شیرعلی سلطان) نامی [illegible]
[illegible]
شد سواره و پیاده [illegible]
میکردند در کنار رودخانه [illegible]
کشته [illegible] افتاده بود که از [illegible]
انها رنگ آب تغییر داشت همینکه دشمنان فرار

(بقیه دارد)